



نگاره‌روانشناسانه‌به عشق و آسیب‌هایی که زوج‌ها را تهدید می‌کند

از «ما» شدن تا «جدا» شدن راهی نیست!

فرزانه نوریان *

بارها دیده‌ایم زوجی که در آغاز آشنایی یک دل

نه صد دل عاشق هم می‌شوند اما پس از مدتی سسر از دفتر طلاق درمی‌آورند؟ چه چیز باعث خاموش شدن این عشق و احساس می‌شود؟ قطعاً مسائلتی در فروپاشی رابطه‌شان دخیل است. بی‌تردید یکی از این مسائل تغییرات عاطفی و احساسی و کم‌رنگ شدن عشق بین آنها است که عدم آگاهی در رابطه با آن وجود دارد و قادر به مدیریت آن نیستند.

■ ■ ■

یکی از تفاوت‌های شاخص انسان با دیگر موجودات این است که او دارای قوه‌ای است به نام قوه عاقله به همین دلیل از خود، آگاهی دارد. از تنهایی و جدایی‌اش آگاهی دارد که درک همین جدایی است که باعث اضطراب او می‌شود. در حقیقت جدایی سر چشمه همه اضطراب‌هاست، بنابراین عمیق‌ترین احتیاج انسان نیاز اوست بر غلبه بر جدایی و رهایی از زندان تنهایی که غلبه بر این حس به وسیله عشق ممکن می‌شود.

از آنجایی که ما احساس تنهایی در درونمان داریم می‌خواهیم بر این حس غلبه کنیم به دنبال عشق می‌رویم چراکه اتحاد دوباره در وجودمان با عشق میسر می‌شود. عشق، میل و رغبت جدی به زندگی و پرورش آنچه ما بدان مهر می‌ورزیم است، اما نکته اینجاست با توجه به اینکه عشق چیزی است که به نوعی به حیات ما وابسته‌است پس چران این همه شکست‌های عاطفی، احساسی پیش می‌آید؟ چرا عشقی که ایجاد می‌شود و

■ زهرا حیدری

سهیلا از خساست همسرش می‌گفت و شرح می‌داد که به قول خودش پول‌هایش را برای آینده فرزندانش پس‌انداز می‌کند؛ اما من و بچه‌هایم از سر خجالت‌مجبوریم به نوبت بدیهی‌ترین چیزها مثل نان را از مغازه سر کویچه نسبیه خرید کنیم و گاهی دخترم با گریه از این کار امتناع می‌کند. مسئله سهیلا مسئله خیلی از زنانی است که به رغم تشریح شرعی و قانونی، چیزی تحت عنوان نفقه نمی‌گیرند و در زندگی خانوادگی درگیر مشکلات بی‌شمار هستند.

■ ■ ■

استحکام و قوت بنیان خانواده در اسلام به دلیل جایگاه ویژه آن برجستگی خاصی دارد و شرع مقدس اسلام احکام و مقررات دقیقی در این زمینه ارائه داده است اما در دادگاه‌ها و مؤسسات قضایی که قدم بگذاریم انگار وارد سرزمین دیگری شده‌ای. سرزمینی از جنس تشویش و اضطراب، سرزمینی از جنس درد و غصه. بابت نمی‌شود این راه‌روهای شلوغ از آن کشوری اسلامی است و موضوع پرونده‌ها، اختلاف‌هایی بر سر حقوق واجب بیان شده در اسلام است. واجب... زیر پا گذاشتن آن قطعاً مواخذه سختی در دنیا و آخرت به دنبال خود داشت. بعضی مواقع فکر می‌کنم چقدر شجاع شده‌ایم! چه می‌محبا کمز همت به بدبختی و روسپاهی خود بسته‌ایم. وارد میدانی شده‌ایم که دو سر باخت است از یک طرف آرامش روحی – روانی خود را بر هم زده‌ایم و از سوی دیگر با بر همه خاطرات گذشته گذاشته‌ایم و با شریک زندگی خود هفت پشتت غریبه شده‌ایم. چقدر تا سقفبار است ایفای حقوق واجب اعضای خانواده با منت همراه باشد مننی که برای اعمال مستحبی هم رد شده است. گاهی اوقات و در برخی خانواده‌ها پول کار کرداصلی خود را از دست می‌دهد و عزیز می‌شود و اسباب رنجش عزیزترین افراد زندگی‌مان را فراهم می‌کند. اسباب زیر سؤال رفتن علاقه‌ها و شکسته شدن حرمت‌ها، شکسته شدن بنیان مقدسی به نام خانواده. خانواده‌ای که ستون اصلی جامعه است.

مگر نه اینکه پول و مادیات برای ایجاد رفاه و آرامش است پس این همه خساست برای چه. برخی برای این گرفته‌گیری‌ها ادعای آیندنگری را دارند حال از دست می‌دهیم برای آینده‌ای ناسامان. سهیلا از خساست همسرش می‌گفت و شرح می‌داد که به قول خودش پول‌هایش را برای آینده فرزندانش پس‌انداز می‌کند؛ اما من و بچه‌هایم از سر خجالت‌مجبوریم به نوبت بدیهی‌ترین چیزها مثل نان را از

سبک همسری

بدیهی‌ترین حق زنان را فراموش نکنیم

نفقه به سبک منت و تحقیر



مغازه سر کویچه نسبیه خرید کنیم و گاهی دخترم با گریه از این کار امتناع می‌کند. دخترم حسرت هدیه‌ای از جانب پدرش را دارد! به‌طور قطع این رنجش‌ها و این زخم‌های روحی را هیچ پشتوانه مالی در آینده جبران نخواهد کرد و اکنون سهیلا با جدیت به دنبال کار می‌گردد چراکه تاب دیدن حسرت در چشمان فرزندانش را ندارد. خساست یکی از عواملی است که زنان را در تنگنای وابستگی مالی قرار می‌دهد و برخی از آنان ترجیح می‌دهند تنها به دلیل عدم وابستگی فارغ از بحث حضور اجتماعی و علاقه شاغل باشند حتی مشاغلی که خود به مراتب می‌دانند دستمزدشان بسیار کمتر از مردان است و استهلاک روحی و جسمی برای آنان به دنبال خود می‌داند. بعضی مواقع هم مانند بسیاری از احکام به حقوق دیگران آگاه نیستیم و هزینه‌هایی مانند لباس و... را لطفی در حق زن و بچه یا اقوام نیازمند خود می‌پنداریم. سیما می‌گفت: در خانه، همسر مانند ارباب به من دستور می‌دهد و اگر هم اعتراض داشته باشم می‌گوید من هزینه خورد و خوراک را می‌دهم و غصه‌دار تر اینکه زیر بار هزینه‌های درمان و لباس و... هم به‌رغم درآمد بالا به سختی و با پرخاشگری می‌روم. یکی از دلایل افسرد به این نهاد حقوقی برخورد با چنین مواردی در سطح جامعه است. از موضوع نفقه انتقاد شده و گفته می‌شود با تشریح این حکم، زن تحقیر و یک مستخدم جیره‌خوار محسوب

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

درد

حصول عشق واقعی زمانی است که دو نفر از کانون هستی خود با یکدیگر گفت‌وشنود کنند، یعنی هر یک بتوانند خود را در کانون هستی دیگری درک و تجربه کنند. حتی اگر بین دونفر هماهنگی یا تعارض، غم یا شادی وجود داشته باشد.

این امر در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد چون آنچه اهمیت دارد این است که این دو بدون گریختن از خود احساس وصل و وحدت می‌کنند. تعارضات را به هم نسبت نمی‌دهند چون به این نتیجه رسیده‌اند که با تمام تفاوت‌ها و اصل حفظ فردیت یکدیگر، با هم به یک وحدت رسیده‌اند.

استثمار وجود ندارد.

درست است انسان به خاطر تنهایی و جدایی که احساس می‌کند می‌خواهد پیوندی به نام عشق برقرار سازد اما باید حیطه فردی او نیز باید مورد احترام قرار گیرد. مسئله‌ای که در بین زوج‌ها شاهد آن هستیم به نوعی بعد از برقراری پیوند عشق، می‌خواهند «ما» شوند اما قبل از هر چیز آنها باید بدانند که برای فردیت یکدیگر باید احترام قائل باشند، در غیر این صورت «ها» شدنی صورت نمی‌گیرد و بیشتر آنها را از هم دور می‌کند.

حصول عشق واقعی زمانی است که دو نفر از کانون هستی خود با یکدیگر گفت‌وشنود کنند، یعنی هر یک بتوانند خود را در کانون هستی دیگری درک و تجربه کنند. حتی اگر بین دو نفر هماهنگی یا تعارض، غم یا شادی وجود داشته باشد. این امر در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد چون آنچه اهمیت دارد این است که این دو بدون گریختن از خود احساس وصل و وحدت می‌کنند. تعارضات را به هم نسبت نمی‌دهند چون به این نتیجه رسیده‌اند که با تمام تفاوت‌ها و اصل حفظ فردیت یکدیگر، با هم به یک وحدت رسیده‌اند.

قبل از هر چیز باید دلایل شکست در روابط عاطفی ما چیست؟ چرا پس از گذشت مدتی از زندگی مشترک آشفته‌شان عشق به سرودی می‌گراید؟ عشق نیاز به یویایی و سرزندگی دارد، نشاط هر دو طرف را می‌طلبد. یک عشق ناسالم تمام ابعاد روحی، جسمی، شغلی و اجتماعی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، همان گونه که یک عشق سالم تکامل را برای ما در پی دارد.

«روانشناس بالینی

نگاه

آموزش را باید از کودکی آغاز کرد

طلاق آسیب‌زا و آسیب‌زایی طلاق

مصطفی سیدرنجبر *

طلاق از جمله آسیب‌هایی است که نه تنها خود متأثر از آسیب‌های دیگر، بلکه منشأ آسیب‌های دیگر است. در شرایط کنونی ایران سخن گفتن از آسیب‌های اجتماعی همچون طلاق بدون توجه به سایر متغیرها و پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی و ساختار اجتماعی – فرهنگی موجود، نه تنها ناقص و نارسا است، بلکه از حد توصیف فراتر نخواهد رفت. در واقع مهم‌ترین مسئله برای یک پژوهشگر اجتماعی، برداختن به یک آسیب اجتماعی مانند طلاق در ارتباط با سایر آسیب‌های اجتماعی مانند نرخ خودکشی، گرایش به مواد مخدر، بیکاری، قانون‌گریزی، سرقت و... است، به گونه‌ای که از خود می‌پرسد اگر در جامعه‌ای نرخ خودکشی یا گرایش به مواد مخدر یا سایر آسیب‌های اجتماعی بالا باشد، آیا میزان طلاق نیز در آن جامعه بالاست؟ در این گفتار نگاهی اجمالی به طلاق و ابعاد مختلف آن خواهیم داشت.

درد

از جمله عواقب مهم طلاق، فرزندان به جا مانده از طلاق است که در جامعه حتی رها هم می‌شوند. این فرزندان مستعد انواع انحرافات و کجروی‌های اجتماعی در آینده هستند چراکه از کانون گرم خانواده و از محبت والدین محروم شده‌اند و دچار انواع عقده‌ها هستند

از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۳ میزان طلاق همواره در حال افزایش بوده و این در حالی است که در سال‌های اخیر به‌عنوان مثال در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ از نظر اقتصادی ما بارشد منفی مواجه بودیم.از دیگر آسیب‌های اجتماعی که مرتبط با طلاق و سایر مسائل اجتماعی است،افزایش بروز خشونت در سال‌های اخیر است به طوری که سالانه آمار ضد و نقیضی از سوی قوای انتظامی و قضایی وسازمان پزشکی قانونی گزارش می‌شود. یکی از ابعاد بروز خشونت پایه نوعی جرائم خشن از نوع خانگی است که با طلاق و مخصوصاً طلاق عاطفی نیز همبستگی مستقیمی دارد و در چرایی این نوع مسئله، آن چه که به نظر می‌رسد بروز انواع ناگامی‌ها و محدود شدن فرصت‌های زندگی و در نتیجه بروز پر خاشگری و خشونت در خانواده‌عم از ناگامی‌های اقتصادی، منزلتی و خانوادگی و... است.

در چندین دهه‌اخیر در جامعه‌ایران سیاست‌های

مدرنیزاسیون شکل گرفته‌و برای مدرن‌تر شدن

اقتصاد و جامعه ایرانی تا به حال با برنامه‌های

گونگون توسعه و... از سوی دولت‌ها مواجه

بوده‌ایم و امروزه نیز می‌توان بازخورد‌های آن را

در گسترش خانواده هسته‌ای به جای خانواده

گسترده دید. با گسترش خانواده هسته‌ای اکثر

کارکردهای خانواده گسترده به نهادهای دیگر

واگذار شده که مهم‌ترین آن نهادهای اقتصادی و

رفاهی آموزشی است. در این ساختار جدید که

نهاد خانواده تنها به تولید نسل و رشد و پرورش

فرزندان می‌پردازد و از سایر جنبه‌ها وابستگی

شدیدی به سایر نهادهای دارد، در این خصوص

وا

از محبت والدین محروم شده‌اند و دچار انواع

عقده‌ها هستند. یکی دیگر از عواقب طلاق

نگرش فرزندان به جا مانده از طلاق نسبت به

ازدواج است. امکان اینکه آن‌ها نیز در زندگی

مشترک‌شان شکست بخورند زیاد خواهد بود.از

دیگر عواقب آن تهدیدی است که بعد از طلاق،

مگر بیابگیر زنان مطلقه است که یکی از این

تهدیدات اولاً سرخوردگی روحی و روانی ناشی از

طلاق و فقیرت شدن آنان و در نتیجه رواج اعتیاد

ناشی از سرخوردگی روحی و حتی افزایش فحشا

خودکشی در بین این زنان می‌شود. افزایش

تکدی‌گری در بین فرزندان طلاق و زنان مطلقه

یکی دیگر از عواقب اجتماعی و فرهنگی طلاق

و...است که در مراکز شهرها و بازار به مراتب دیده

می‌شود. اما درباره راهکارهای مهم در کاهش

نرخ طلاق نیز باید گفت آگاهانه و عقلانی صورت

گرفتن ازدواج جوانان به دور از انتظارات کاذب و

دخالت‌های بی‌جای خانواده‌های زوجین، بسیار

مهم و اساسی است. عامل دیگر نیز دوری از

تشریفات است که سنگ لای روابط اجتماعی

سالم می‌گذارد و روابط اجتماعی سالم را تهدید

کرده و صداقت و خود واقعی بودن در روابط

اجتماعی را تبدیل به زندگی برای تأیید دیگران

و خود را موجه جلوه دادن در چشم دیگران

می‌کند. در این جااست که فرهنگ مادی و

تشریفات حتی در جای فرهنگ معنوی و دینی

می‌نشیند و نوعی از خودبستگی و شیء‌سروری

به جای انسانیت پدیدار می‌شود که باید روند این

نوع از آسیب‌ها تا جایی که می‌توان کندتر کرد

تا؛ زندگی ناشویی نیز دچار اهداف واهی و بوچ

نشود. واقعیت این است که پیشگیری از طلاق را

باید از کودکی آغاز کرد و در واقع از همین دوران

باید مهارت‌آموزی‌های لازم برای جلوگیری از

آسیب‌هایی هم‌چون طلاق صورت بگیرد. همان

طور که به کودکان و نوجوانان مهارت‌های فنی

و نظری آموخته می‌شود که در جای خود مهم

است، بهتر است به آنان چگونگی مهارت‌های

ارتباطی و کلامی و اجتماعی نیز آموزش داده

و بر این اساس بستر مناسب طلاق را از دهه گذشته

متفاوت کرد، گسترش اشتغال زنان در جامعه

است که می‌تواند ساخت اجتماعی و روابط



عقده‌ها هستند. یکی دیگر از عواقب طلاق نگرش فرزندان به جا مانده از طلاق نسبت به ازدواج است. امکان اینکه آن‌ها نیز در زندگی مشترک‌شان شکست بخورند زیاد خواهد بود.از دیگر عواقب آن تهدیدی است که بعد از طلاق، مگر بیابگیر زنان مطلقه است که یکی از این تهدیدات اولاً سرخوردگی روحی و روانی ناشی از طلاق و فقیرت شدن آنان و در نتیجه رواج اعتیاد ناشی از سرخوردگی روحی و حتی افزایش فحشا خودکشی در بین این زنان می‌شود. افزایش تکدی‌گری در بین فرزندان طلاق و زنان مطلقه یکی دیگر از عواقب اجتماعی و فرهنگی طلاق و...است که در مراکز شهرها و بازار به مراتب دیده می‌شود. اما درباره راهکارهای مهم در کاهش نرخ طلاق نیز باید گفت آگاهانه و عقلانی صورت گرفتن ازدواج جوانان به دور از انتظارات کاذب و دخالت‌های بی‌جای خانواده‌های زوجین، بسیار مهم و اساسی است. عامل دیگر نیز دوری از تشریفات است که سنگ لای روابط اجتماعی سالم می‌گذارد و روابط اجتماعی سالم را تهدید کرده و صداقت و خود واقعی بودن در روابط اجتماعی را تبدیل به زندگی برای تأیید دیگران و خود را موجه جلوه دادن در چشم دیگران می‌کند. در این جااست که فرهنگ مادی و تشریفات حتی در جای فرهنگ معنوی و دینی می‌نشیند و نوعی از خودبستگی و شیء‌سروری به جای انسانیت پدیدار می‌شود که باید روند این نوع از آسیب‌ها تا جایی که می‌توان کندتر کرد تا؛ زندگی ناشویی نیز دچار اهداف واهی و بوچ نشود. واقعیت این است که پیشگیری از طلاق را باید از کودکی آغاز کرد و در واقع از همین دوران باید مهارت‌آموزی‌های لازم برای جلوگیری از آسیب‌هایی هم‌چون طلاق صورت بگیرد. همان طور که به کودکان و نوجوانان مهارت‌های فنی و نظری آموخته می‌شود که در جای خود مهم است، بهتر است به آنان چگونگی مهارت‌های ارتباطی و کلامی و اجتماعی نیز آموزش داده و بر این اساس بستر مناسب طلاق را از دهه گذشته متفاوت کرد، گسترش اشتغال زنان در جامعه است که می‌تواند ساخت اجتماعی و روابط

اگر در زمینه اقتصادی در جامعه‌ای رشد و تحول

در رون‌زا نباشد و بیشتر در حالت وابستگی باشد

خانواده هسته‌ای به مراتب بیشتر از نوع خانواده

گسترده که نسبتاً خودکفاست آسیب‌پذیر

خواهد بود. نکته دیگر نیز نوع سبک زندگی

و کاهش فرهنگ قناعت در مصرف است که

می‌تواند در بروز طلاق مؤثر باشد. به گونه‌ای

که با شکاف میان انتظارات و وسایل دستیابی به

آن چه در سطح کلان و چه در سطح خانواده‌ها

و عدم حل این انتظارات، با بروز ناگامی‌ها و

تضادهای شدیدی در روابط اجتماعی همراه

خواهد شد که یکی از ابعاد این مسئله را می‌توان

در زمینه خشونت خانگی نشان داد چراکه وقتی

در فرهنگی که مرد را نان آور خانه می‌داند و

مرد در محیط بیرون از خانواده با ناگامی‌های

اقتصادی و منزلتی مواجه می‌شود، واکنش مرد

آن چه در سطح کلان و چه در سطح خانواده‌ها

به صورت پر خاشگری و خشونت خانگی بروز

می‌یابد که نتیجه‌اش ممکن است طلاق باشد.

نکته مهم دیگر که امروزه باید بدان اشاره کرد

و بر این اساس بستر مناسب طلاق را از دهه گذشته

متفاوت کرد، گسترش اشتغال زنان در جامعه

است که می‌تواند ساخت اجتماعی و روابط